

## مقدمه

اگر از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی روابط بین‌الملل جنگ‌ها و انقلاب‌های بزرگ را سرآغاز شکل‌گیری نظم‌های بین‌المللی در نظر بگیریم، خاورمیانه در یک سده اخیر به دلیل بروز جنگ‌ها و انقلاب‌های بزرگ شاهد چندین نظم منطقه‌ای بوده است که در هر یک از آنها دسته‌ای از دولت‌ها به‌عنوان بازیگران منطقه‌ای نقش‌آفرینی کرده‌اند. در این باره، به استثناء نظم اول منطقه، یعنی بازه زمانی بین شکل‌گیری خاورمیانه مدرن در دوره پساجنگ جهانی اول و انقلاب افسران آزاد مصر در سال ۱۹۵۲ که بازیگران اصلی منطقه، بریتانیا و فرانسه به‌عنوان سرپرست دولت‌های تازه تأسیس بودند؛ در تمامی نظم‌های آتی، بازیگران منطقه‌ای جایگاه برجسته‌ای در روابط بین‌الملل خاورمیانه داشته‌اند. نکته اصلی در مورد بازیگران منطقه‌ای فعال در تمامی نظم‌های پیش از ناآرامی‌های عربی، نقش‌آفرینی بازیگرانی بود که بنا بر ظرفیت‌های بالقوه داخلی نظیر وسعت سرزمینی، میزان جمعیت، نیروی نظامی، توان اقتصادی و ... به‌عنوان قدرت‌های متوسط شناخته می‌شدند. نظم منطقه‌ای خاورمیانه در دوره پساناآرامی عربی شاهد دو بازیگر منطقه‌ای نوظهور؛ یعنی امارت متحده عربی (امارات) و قطر است که علی‌رغم قرار گرفتن در زمره دولت‌های کوچک توانسته‌اند در قامت بازیگران متوسط نوظهور ظاهر شوند. در این میان، نکته قابل توجه تضاد منافع آنها در نظم جدید است (Miller & Verhoeven, 2019: 2).

جوانه‌های تقابل منطقه‌ای این دو بازیگر به وقایع مرتبط با ناآرامی‌های عربی سال ۲۰۱۱ باز می‌گردد که به دلیل حمایت از جریان‌های اسلامی و سکولار در